

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع :

فرهنگ عدالت اجتماعی از نگاه آیات و روایات

گردآورنده:

فهیمة علیمردانی

پاییز 1393

چکیده

یکی از هدف‌های متعالی بشر که مصلحان اجتماعی همواره درصدد تحقق آن بوده‌اند، عدالت اجتماعی است. امروزه باید عدالت در حوزه اجتماع انسانی به عنوان یکی از باارزش‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفاهیم شناخته می‌شود و بسیاری از متفکران در طول تاریخ به دنبال رسیدن به معنا و مفهوم حقیقی عدالت و نقش آن در جامعه بوده‌اند. اسلام هم مکتب عدل و عدالت است؛ از این رو، اهل بیت به عنوان مصلحان الهی به این اصل فطری توجه کرده و به تبیین آن پرداخته‌اند. حقیقت عدالت اجتماعی، و ارکان آن (حکومت، حاکم، خواص و...) و نیز آثار و نتایج عدالت اجتماعی از نگاه روایات، مسائلی است که این نوشتار به بررسی آن پرداخته است.

واژگان کلیدی

عدالت، عدالت اجتماعی، حکومت، حاکم، روایات.

مقدمه

عدالت اجتماعی به عنوان یک گرایش باطنی و امری فطری در نهان و نهاد انسان، از مسائلی است که همواره توجه بشر را به خود جلب کرده است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد، به گونه‌ای که همه مسلمانان و انسان‌های آزاده تاریخ، از آغاز تاکنون، اندیشه برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ستم را در سر می‌پرورانند.

بررسی این اصل اصیل انسانی در آیات قرآن و کلام ائمه معصوم، در تحقق واقعی این مسئله رهگشاست. خداوند متعال در قرآن کریم به این مهم دستور می‌دهد و آن را بر انسان واجب می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: 90) یا: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ؛ اِی داوود ما تو را در زمین جانشین خود قرار دادیم پس حکم کن بین مردم به حق [و عدل]». (ص: 26) در مقابل، به جامعه اسلامی نیز یادآور می‌شود که بدی‌ها و دشمنی‌ها نباید شما را از راه عدالت بیرون سازد، به گونه‌ای که حتی با دشمنانتان به عدالت رفتار کنید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت پیشه کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است». (مائده: 8) لقد ارسلنا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ انزلنا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: این گونه است که خدای سبحان، یکی از هدف‌های عمده پیامبران را برپا داشتن عدل و قسط معرفی می‌کند. (حدید: 25)

بر این اساس، در این تحقیق با بررسی آیات و روایات، ابتدا به مفهوم‌شناسی عدالت می‌پردازیم، آنگاه معنای عدالت اجتماعی را بیان می‌داریم.

بررسی مصداق‌های تکوینی و تشریعی عدالت، مصداق‌های عدالت اجتماعی و ارکان برقراری آن و نیز آثار و نتایج عدالت اجتماعی، از مسائلی است که این پژوهش درصدد بررسی آن با رویکرد مبتنی بر آیات به‌ویژه روایات است. از این رو، به عدالت اقتصادی به عنوان یک امر مهم در برقراری عدالت اجتماعی توجه گردیده و ارکانی مانند حکومت، حاکم، کارگزاران و خواص که زمینه برقراری صحیح عدالت اجتماعی را فراهم می‌آورند، بررسی شده است؛ زیرا عدالت می‌تواند زمینه رشد مادی

و معنوی افراد و آبادی و صلاح سرزمین‌ها را دربرداشته باشد. به عبارتی، در سایه عدالت، هدف خلقت که همان عبادت و کمال آدمیان به سر منزل مقصود است، تحقق می‌یابد و ظلم و جور و بی‌عدالتی که زمینه دگرگونی نعمت‌های الهی و نزدیک‌سازی خشم و غضب الهی را به همراه دارد و دشمنی‌ها و فرسودگی و نابودی تمدن‌ها و آبادانی‌ها ثمره اوست، ریشه‌کن می‌شود.

معنا و مفهوم عدالت

واژه‌شناسان، «عدل» را به میانه‌روی، برابری، همسانی، همانندی، مساوات و ضد جور معنا کرده و گفته‌اند عدل و عدل در معنی نزدیک به هم هستند، ولی «عدل» در چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و «عدل» در چیزی است که تساوی آن با حس فهمیده شود. (ابن منظور، 1414 ه.ق: ج 1، 436) در کتاب العین، عدل، حکم به حق معنا شده است. (فراهیدی، 1410 ه.ق: ج 2، 38؛ ابن منظور: ج 11، 431)

ابن فارس می‌گوید: «ع - د - ل» دو ریشه متضاد با هم دارد: 1. عدل به معنای برابری؛ 2. عدل که بر انحراف و کجی دلالت می‌کند؛ العدل من الناس: شخصی که روش مستقیم او مورد خشنودی مردم است و جمع آن، «عدول» است. عدل، ضد جور و ستم است. (ابن فارس، 1422: ج 4، 247)

این نکته حائز اهمیت است که لغویون در تفاوت عدل و انصاف و عدل و قسط نکاتی نقل کرده‌اند که در جای خود قابل بررسی است. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت اصل واحد در ماده عدل، حد وسط میان افراط و تفریط است، به گونه‌ای که نه در آن زائدی باشد و نه نقص. این معنا را می‌توان در همه تعاریفی که اهل لغت بیان کرده‌اند قابل انطباق دانست.

عدل در اصطلاح علوم گوناگون، تعاریف متفاوتی دارد: عدالت در شرع به معنای راستی در راه حق و برتری دادن عقل بر هوا و هوس است و در اصطلاح فقیهان، عبارت است از: پرهیز از گناهان بزرگ و اصرار نکردن بر گناهان کوچک. آنان رعایت تقوا و دوری از همه اینها را به ملکه عدالت

تعبیر می‌کنند. (موسوی خمینی، 1419: ج 1، 10)

عدالت از دیدگاه اندیشمندان، حکما و فلاسفه نیز تعاریف مختلفی دارد که این اختلاف بر اساس شرایط گوناگون بوده است. در قرون وسطا، متفکران و فلاسفه توجه خاصی به طبیعت داشتند، به گونه‌ای که از نظر اینان، عدالت عبارت است از: اصل آرمانی یا طبیعی یا قراردادی که معنای حق را تعیین و اقرار به آن را در عمل ایجاب می‌کند. (صانعی دره بیدی، 1370: 460) از این رو، از نظر ارسطو، عدالت به معنای عام آن، شامل تمام اقسام فضایل و به معنای خاص، آن فضیلتی است که به موجب آن باید به هرکس آنچه حق اوست، داده شود. سیسرون، حقوق‌دان رومی در ادامه می‌افزاید: «به شرط اینکه به منافع عمومی زیان نداشته باشد.» حقوق‌دانان و حکمای غربی، تعریف ارسطو را همراه با جمله متمم سیسرون، مهم‌ترین تعریف عدالت شمرده‌اند. (کاتوزیان، 1347: ج 1، 205)

به اعتقاد افلاطون، عدالت رشته‌ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد یا وحدت افراد است به منظور هماهنگی. (پازارگاد، بی تا: ج 1، 109) در دوره رنسانس، تأمین منافع دیگران را نیز به معنای عدالت نزدیک کرده و گفته‌اند عدالت اجتماعی دال بر احترام به حقوق دیگران و دادن حق هر صاحب حقی است. (صانعی دره بیدی، 1370: 461) دانشمندان اسلامی نیز درباره تعریف عدالت اختلاف نظر دارند؛ مرحوم طبرسی آن را مانند چیزی از جنس خودش، یعنی برابری معنی می‌کند. (طبرسی، 1349: ج 1، 103) ابن ابی‌الحدید به این باور است عدالت، خلق متوسط بین افراط و تفریط است (ابن ابی‌الحدید، 1341: ج 18، 216 و 272) و مرحوم علامه طباطبایی معتقد است: عدالت برپاداشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد. (طباطبایی، 1364: ج 2، 252) ایشان در جای دیگری، عدالت را حالتی می‌داند که جدا از افراط و تفریط باشد. (همان: ج 6، 219) شهید مطهری نیز درباره عدالت می‌گوید: عدالت، اعطای حق به ذی‌حق یا عدم تجاوز به حق ذی‌حق است. (مطهری، 1379: 16) این روشن است که فصل الخطاب ایشان در عبارت «اعطاء کل ذی حق حقه» (نهج‌البلاغه: خطبه 37) است که حق را به حق‌دار دادن می‌داند. شهید مطهری در جایی دیگر نیز عدالت را به معنای انصاف، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط و قرار دادن هر چیزی در جای خود آورده است.

اگر در آینده کار و مشکلی پیش آید و از آنها در حل مشکل دعوت به عمل آید، به شادمانی می‌پذیرند؛ زیرا عمران و آبادی قدرت تحمل مردم را افزایش می‌دهد.»

6. شکست دشمن

رسول خدا فرمود: «من عمّ عدله نصر علی عدوه؛ هر که عدالتش فراگیر گردد، بردشمنانش چیره گردد». (مجلسی، 1403 هـ.ق: ج 72، 359)

حضرت علی نیز در این باره فرموده است: «بالسیره العادله یقهر المنادی؛ با روش عادلانه، هر داعیه‌داری مغلوب است.» (آمدی، 1378، ج 3، 219)

7. پایداری مردمان

امیرمؤمنان فرموده است: «لعدل قوام البریه؛ عدل، مایه پایداری مردمان است.» (مجلسی، 1403 هـ.ق: ج 83، 78)

8. پایداری نعمت‌ها

امام رضا فرموده است: «استعمال مؤذن بدوام النعمه؛ به کار بستن عدل و دادگری و نیکوکاری، عامل پایداری نعمت‌هاست.» (صدوق، 1378: ج 2، 24)

9. آرامش دل‌ها

حضرت فاطمه می‌فرماید: «والعدل تنسیقاً للقلوب؛ عدالت، مایه هماهنگی دل‌ها می‌گردد.» (حکیمی، 1370: ج 6، 405)

نتیجه گیری

عدالت به عنوان یک اصل فطری، در نظام تکوین و تشریع نهاده شده است و طبق بیان امیرمؤمنان، علی، قرار دادن هر چیز در جای خود است. در نظام تکوین، این اصل در خلقت عالم (بالعدل قامت السموات والارض) قرار دارد. این مفهوم که در جان آدمی ریشه دارد، در زندگی اجتماعی نیز به اندازه‌ای با اهمیت است که خداوند به آن دستور داده است، به گونه‌ای که هدف از فرستادن انبیا و اولیا و کتاب‌ها و شریعت‌ها، همه برای دستیابی به این امر بوده است. بنابراین، در صورتی که زوایا و مصادیق حقیقی این مسئله روشن شود، جامعه به سوی کمال و سعادت رهنمون می‌شود و عدالت به عنوان واسطه و دلیل، راه سعادت بشری را هموار می‌سازد. تحقق این مسئله مهم در اجتماع، با توزیع مناسب قدرت سیاسی و ثروت و اعطای حق هرکس در شأن و توان او امکان‌پذیر است و ابزارهایی همچون حکومت، حاکم، کارگزاران و خواص (علماء، عباد، تجار، ملوک) می‌توانند با عمل به فرامین دین و وظیفه‌شناسی، زمینه ایجاد عدالت اجتماعی را فراهم آورند. این نوشتار کوشید تا مسائل بازگو شده را در آینه آیات و روایات بررسی و زوایای آشکار و پنهان آن را تحلیل و تبیین کند.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه، 1378، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
3. آمدی، عبدالواحد، 1378 هـ.ق، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، قم، انتشارات دار الکتاب.
4. ابن ابی الحدید، ابوحامد، 1341 هـ.ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
5. ابن فارس قزوینی، ابوالحسن احمد، 1422 هـ.ق، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
6. ابن منظور، محمد بن مکرم، 1414 هـ.ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
7. پازارگاد، بهاءالدین، بی تا، تاریخ فلسفه سیاسی، تهران.
8. جوادی آملی، عبدالله، 1377، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء.
9. حرانی، ابن شعبه، 1404 هـ.ق، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین.
10. حکیمی، محمدرضا و همکاران، 1377، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
11. حکیمی، محمد، 1370، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
12. خوانساری، جمال الدین، 1366، شرح غرر الکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران.
13. زبیدی، محمد بن محمد، 1403 هـ.ق، تاج العروس فی جواهر القاموس، بیروت، دار الهدایه.
14. شوشتری، محمدتقی، 1376 هـ.ق، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، امیر کبیر.

15. صانعی دره بیدی، 1370، فرهنگ فلسفه، تهران، حکمت.
16. صدوق، علی بن الحسین، 1378 هـ.ق، عیون اخبار الرضا، تهران، جهان.
17. _____، 1403 هـ.ق، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین.
18. _____، 1404 هـ.ق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.
19. _____، 1420 هـ.ق، المواعظ، قم، بنیاد معارف اسلامی.
20. طباطبایی، محمدحسین، 1364، المیزان، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
21. طبرسی، فضل بن حسن، 1349، مجمع البیان، تهران، فراهانی.
22. طریحی، فخرالدین، 1375، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
23. فراهیدی، خلیل بن احمد، 1410 هـ.ق، کتاب العین، قم، هجرت.
24. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، 1365، وافی، مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع)، اصفهان.
25. فیض الاسلام، علی نقی، 1379 هـ.ق، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، فقیه.
26. قمی، احمد بن علی (معروف به ابن رازی)، 1413 هـ.ق، جامع الاحادیث، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
27. کاتوزیان، ناصر، 1347، کلیات حقوق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
28. کلینی، محمد بن یعقوب، 1362، اصول کافی، تهران، اسلامیه.
29. متقی هندی، علاءالدین، 1397 هـ.ق، کنز العمال فی السنن القوال و الافعال، بیروت، مکتبه التراث الاسلامیه.
30. مجلسی، محمدباقر، 1403 هـ.ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار، بیروت،

31. محمدی ری شهری، محمد، 1372، *میزان الحکمه*، قم، دارالحديث.
32. محمدی، جمعه خان، 1385، *تعديل نابرابری های اجتماعی در دولت امام علی (ع)*، قم، شیعه شناسی.
33. مشکینی، علی، بی تا، *تحریر المواعظ العددیه*، قم، الهادی.
34. مطهری، مرتضی، 1375، *بیست گفتار*، تهران، صدرا.
35. _____، 1379، *بررسی مبانی اقتصادی اسلام*، تهران، صدرا.
36. موسوی خمینی، روح الله، 1419 هـ.ق، *تحریر الوسیله*، قم، جامعه مدرسین.
37. واعظی، احمد، 1386، *جان رالز از نظریه عدالت تا لیبرالیزم سیاسی*، قم، بوستان کتاب.